

حاشیه نشینی و آسیب های اجتماعی (بزهکاری)
نویسنده مسئول: مهرآفرین قائمی اردکانی کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی
Ardakanihoghooghi@gmail.com

چکیده:

این مقاله با تاثیر مناطق حاشیه نشین در بزهکاری به صورت توصیفی- تحلیلی می باشد و با هدف کنترل، ساماندهی و بهسازی این مناطق در جهت کاهش آسیب های اجتماعی، دستاورد این مقاله می تواند یادآور این نکته به برنامه ریزان و طراحان شهری باشد که عدم توجه به اصلاح بهبود و مناطق حاشیه نشین می تواند خطرات جدی برای کل جامعه در بر داشته باشد. یکی از معضلات جوامع امروزی افزایش جرم و بزهکاری در اشکال گوناگون است. که بخشی از آن زائیده فقر و بیکاری، بحران های اقتصادی، الگوهای نامناسب اجتماعی و بخشی از آن نیز مربوط به مناطق حاشیه نشین می باشد که می توان گفت بیشترین تأثیر را در رفتار و الگوپذیری ساکنین دارد. مناطق حاشین نشین که به صورت بی قاعده در اطراف شهرها توسط خود ساکنین ایجاد شده و فاقد هرگونه طراحی و برنامه ریزی شهری می باشد و اغلب مراکز برای رشد انواع بزهکاری هستند. برای مبارزه با بزهکاری باید علل ایجاد آن را شناخت تا بتوان با آن مبارزه کرده تا دیگر افراد سالم جامعه تبدیل به بزهکار و بزه دیده نشوند. انجام اینگونه تحقیقات زمینه های شناخت علل بزهکاری افراد را فراهم می کند و به مسئولین در پیشگیری و مقابله با بزهکاری کمک می کند. شناخت عوامل موثر در بزهکاری از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا در حال حاضر سرعت بیشتری گرفته و رو به افزایش است. جرم می تواند یکی از مهم ترین عوامل بازدارنده پیشرفت هر جامعه ای باشد با توجه به شواهد و قرائنی که موجود است اهمیت محل سکونت در پدید آمدن انواع جرم ها نقش بسزایی دارد. بررسی و تجزیه و تحلیل و راهیابی جهت شناخت پیشگیری و زدودن انواع جرم هایی که می تواند در جامعه مخرب و ویرانگر باشد در واقع مصون سازی و بستری برای جامعه سالم خواهد بود.

کلمات کلیدی: حاشیه نشینی، محل سکونت، بزهکاری

مقدمه

همزمان با انقلاب دوم شهرنشینی در جهان شکلی از سکونت در اطراف شهرهای صنعتی به وجود آمد و نیز از سال ۱۳۰۰ در اغلب شهرهای ایران، که از آن به حاشیه نشینی و اخیراً اسکان غیررسمی یاد می شود. ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شده تا از امکانات و خدمات شهری استفاده کنند. این محلات با سه شاخص مهم شناخته می شوند: الف: فقر کالبدی، زیرساختی و تسهیلات شهری. ب: عدم ادغام در نظام اقتصادی رسمی شهر و اشتغال غیررسمی و ناپایداری و فقر. ج: تنوع و سیاست های فرهنگی، اجتماعی، در واقع رشد قارچ گونه حاشیه ها علاوه بر، برهم زدن فضای کالبدی شهرها و انواع مسائل و آسیب های اجتماعی که با خود به وجود می آورد هرگونه مدیریت شهری را با مسائل، مشکلات و بحران های زیادی روبرو می سازد که یکی از دلایل

بروز این مسائل کمبود یا فرسایش سرمایه اجتماعی به دلیل نرخ بالای تازه واردان و تنوع منشأ جغرافیایی و فرهنگی ساکنان در این گونه محلات می باشد و همچنین باعث عدم موفقیت برنامه های عمرانی دولت جهت بهبود وضعیت کالبدی اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی حاشیه ها می شود. گروه هایی که عمدتاً توانایی تهیه ی مسکن متعارف شهری را ندارند. برای تامین این نیاز اولیه (پناهگاه)، ناگزیر به محله های مسکونی فقرآلود روی می آورند. آنان ممکن است در آغاز آنجا را محل موقت زندگی خود بدانند اما، چون شرایط لازم را برای دسترسی به مشاغل با ثبات و رضایت بخشی را ندارند که زندگی عادی و معنوی آنها را تأمین کند ناچار خود و خانواده شان با آن شرایط دشوار تعلق یافته ، سال ها یا شاید تا پایان عمر یک نسل یا بیشتر در چنین محله های سکونتگاهی غیرمتعارف به زندگی ادامه میدهند. بدیهی است با اشتغال اغلب آنها در بخش غیررسمی و عموماً کم ثبات و بعضی هم در مشاغل کاذب، زندگی در این گونه محله های فقرآلود با بحران و محرومیت همراه گردیده است، باعث می شود که مردم چنین مناطقی خواهی نخواهی احساس از خود بیگانگی کنند، در این وضعیت نامطلوب است که وقوع ناهنجاری ها و کجروی ها امری چندان غیرمنتظره شمرده نمی شود به نظر می رسد در مجموع، شرایط نامناسب محل مسکونی می تواند نمود بارزی از وضعیت این گونه زندگی بحرانی باشد. از این رو تصور می رود هرچه وضعیت غیرمتعارف بودن سکونتگاه، شدت بیشتری داشته باشد، زندگی در آنجا بحرانی تر و دشوارتر شود. (ارشاد، ۱۳۸۱: ۱۲) همچنین روند رو به تزاید مهاجرت به شهر باعث گردیده که مناطقی نه چندان دور از لحاظ جغرافیایی منفعل یافتن، شکل تنازع گونه ای به خود بگیرند. به همین دلیل این مناطق خاستگاه بسیاری از معضلات و بحرانهای اجتماعی می باشند که به طور نمونه می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. عدم همبستگی و انسجام اجتماعی ۲. بیکاری و فقر اقتصادی ۳. اعتیاد ۴. وضعیت نامطلوب آموزش و پرورش ۵. ضعف تعلق اجتماعی ۶. عدم جامعه پذیری سیاسی ۷. تحقیر مداوم اجتماعی و رانده شدن از حمایت های شهری ۸. ضعف بهداشت ۹. هنجارشکنی نسبت به قوانین شهری و از همه مهمتر شکاف شدید طبقاتی حاشیه نسبت به متن که این شکاف به گونه ای شده است که هر کدام را در طبقه ای جداگانه مرزبندی کرده و از طرفی در سالهای اخیر این شکاف طبقاتی به قدری افزایش یافته که ممکن است به بخش اجتماعی و یا عصیان گسترده منجر شود. (فولادیان، ۱۳۸۵: ۹) حاشیه نشینی یکی از معضلات بزرگ اجتماعی می باشد که امروزه عاملی در جهت سقوط افراد در ورطه انحراف و بزهکاری است.

۱- حاشیه نشینی

اصطلاح حاشیه نشینی یا زاغه نشینی به محلات فقیرنشینی اطلاق می شود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شده تا از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند. (مهاجریان، ۱۳۸۷: ۲۳ و ۲۴)

۱-۱- علل حاشیه نشینی

فقر، بیکاری، ازدیاد جمعیت ، مهاجرت، نابرابری های اجتماعی، درآمد کم، جنگ و سایر عوامل

۱-۱-۱- مهاجرت

از اوایل قرن نوزدهم، تحولات و پیشرفت های صنعتی موجب شد که زندگی شهری به کلی متحول شود؛ از یک سو، بهبود یافتن وضع راه ها و وضعیت حمل و نقل و توسعه رسانه های گروهی موجب شد که افرادی به راحتی از مزایا و رفاه زندگی شهری اطلاع کسب نموده و

بیش تر متوجه محرومیت های خود شوند و در نتیجه، برای تحصیل این مزایا و داشتن زندگی پر زرق و برق، به شهرها مهاجرت نمایند. ولی با ورود به شهرها با مشکلات عدیده ای مواجه شدند و معضلات فراوانی را پیش روی خود مشاهده نمودند: از قبیل تهیه مسکن مناسب، پرداخت اجاره بها و دسترسی به امکانات زندگی شهری. در عین حال، آن ها مجبور شدند به حاشیه شهرها کشیده شوند و درصدد تهیه آلونک بایند. از سوی دیگر، به دلیل نداشتن تخصص لازم برای انجام کارهای مناسب و صنعتی، به سوی شغل های نامناسب از قبیل سیگار فروشی، روزنامه فروشی و خرید و فروش موادمخدر روی آوردند که همین زمینه را برای ارتکاب کارهای خطرناک و جرایم فراهم می کند. نتایج بسیاری از پژوهش ها نشان می دهد که یکی از عوامل موثر در بزهکاری نوجوانان مهاجرت است، مهاجرت عبارت است از: نبود خانواده و کنترل والدین بر اعمال فرزندان، مهاجرت نوجوانان به تنهایی، وجود تعارض فرهنگی بین مبدا و مقصد مهاجرت، بیکاری یا اشتغال کاذب سرپرست خانواده یا نوجوان در مقصد مهاجرت، به علت نداشتن شغل و درآمد مجبور به سکونت در مناطق حاشیه نشین می شوند که خود منشا و اساس بسیاری از بزه ها است. (محققان، ۱۳۸۴: ۵۸)

۲-۱- ویژگی های مناطق حاشیه نشین

از دیدگاه سمون چپمن «Simon chapman» هشت ویژگی برای مناطق حاشیه نشینی می توان نام برد:

۱- عموماً غیرقانونی هستند. ۲- غالباً خلق الساعه هستند و از مواد و مصالح ابتدایی ساخته شده اند. ۳- معمولاً بوسیله ی خود ساکنان احداث شده اند. ۴- فاقد خدمات شهری مانند راه آسفالت، برق و سیستم دفع فاضلاب هستند. ۵- توسعه ی آنها بدون برنامه ریزی و غالباً به صورت اتفاقی صورت می گیرد. ۶- مکان گزینی آنها غالباً در لبه های شهری، حواشی خطوط آهن و بزرگراه ها و یا زمینهای خالی از سکنه ای که در مجاورت مناطق مرکزی شهرها قرار دارند، صورت می گیرد. ۷- معمولاً در مناطق نامناسب شهری (مانند زمینهای ناهموار حواشی کارخانجات، در مجاورت زمینهای رها شده و بلااستفاده) تشکیل می شوند. ۸- جمعیت متراکم دارند که از خانواده های پرجمعیت تشکیل شده است. (سماواتی، ۱۳۷۴: ۱۷)

۳-۱- تاثیر حاشیه نشینی به امنیت شهری

در مناطق حاشیه نشین با توجه به بافت غیراستاندارد، وضعیت خاص توپوگرافی (مانند قرار گرفتن روی تپه و غیره)، نبود روشنایی مناسب، فقر شدید و بیکاری استعداد زیادی برای جرم خیزی دارد. به دلیل این که در این مناطق تقریباً زمینیه هیچگونه اشتغالی که بتواند ساختار متعادل اجتماعی را ایجاد کند وجود ندارد و فقر فرهنگی و کمبود سواد ساکنین و بافت غیرمنسجم انسانی بشدت در معرض آسیب های امنیتی می باشد. هم چنین وجود معابر باریک و دسترسی مشکل نظارت متصدیان امر امنیتی را ناممکن می سازد. در مناطق حاشیه نشین عناصر مختلفی خودنمایی می کنند مانند کارگاه های غیرمجاز، خرید و فروش موادمخدر و سایر امور مجرمانه که این نمونه اعمال می تواند به سایر مناطق شهر پیدا کنند. (اردکانی، ۱۳۹۸: ۵۲)

۲- محل سکونت در مناطق حاشیه نشین و تاثیر آن در بروز بزه و بزهکاری

والدین با انتخاب محل سکونت خود اطرافیان اجتماعی خانواده خود را تعیین می کنند. اگر محیط مسکونی در منطقه ای باشد که بروز بزهکاری در آن فراوان است احتمال برخورد اعضای خانواده با این نمونه وجود دارد. (کی نیا، ۱۳۷۴: ۲۳۰) امام علی (ع) در رابطه با تاثیر محیط بر فرد می فرماید: «الناس بزمانهم اشیه با بائهم» شباهت مردم به محیط اجتماعی شان بیشتر از شباهت به صفات خانوادگی آنها

می باشد. همچنین می فرماید: وقتی که محیط اجتماع آلوده شود، سجایای اخلاقی و فضایل واقعی از رونق می افتد و برعکس رذایل و ناپاکی در بین مردم رایج و سودمند می شود (فیض الاسلام، ۱۳۷۰). شکل و نوع خانه مسکونی و محل قرارگیری آن در مناطق مختلف یک شهر تاثیر بسزایی در ایجاد زمینه هایی بروز بزه دارد. محیط اجتماعی و فرهنگی خانواده از یک طرف و محل استقرار منزل در نقاط مختلف شهر (محیط جغرافیایی) نقش موثری در بروز یا کاهش انحرافات اجتماعی دارند. محل سکونت می تواند در وقوع جرایم افراد ساکن در آن موثر باشد. خانه های محقر که فضای آن برای افراد ساکن در آن محدود است تاثیر فراوانی در انحراف افرادش دارد. به طور مثال والدین و فرزندان که مجبورند در یک اطاق بخوابند و به طور مثال چه بسا فرزندان متوجه روابط خصوصی والدین گردند که همین موجب بروز آثار ناخوشایند در فرآیند شکل گیری روحی و روانی فرزندان می شود. هم چنین در این خانه های کوچک به سبب شلوغی و سروصدای زیاد و نبود فضای کافی فرزندان به کوچه ها پناه می برند و با توجه به محیط مستعد فساد اطراف از این طریق به بیراهه کشیده می شوند. تبعات منفی تراکم جمعیت در محل سکونت در تمامی جوامع و کشورها تقریباً یکسان است. در منطقه و محله ای که فاقد بهداشت، نظافت، مراکز تفریحی سالم و وجود سکنه فراوان و شلوغ است زمینه های بیشتری برای ارتکاب اعمال مجرمانه وجود دارد. بنابراین افراد ساکن در این مناطق بیش از مناطق دیگر در معرض آلوده شدن قرار دارند. و اگر مسکن یک خانواده در محله ای باشد که سطح بزهکاری آن بسیار بالاست در این صورت فرزندان آن خانواده نیز در اثر برخورد و معاشرت با همسایگان و دیدن الگوهای نامناسب به ورطه تبهکاری کشیده خواهند شد. (محمود اشراقی، ۱۳۸۲)

۳- بزهکاری

بزهکاری اساساً ویژه یک جامعه یا یک فرهنگ نیست. همه جوامع بشری و همه فرهنگ ها با آن درگیر و به آن مبتلا هستند. مفهوم بزه در تمام جوامع انسانی، یعنی دست یازی به برخی اعمال علیه قانون، که این اعمال می توانند دارای ماهیت های گوناگونی باشند مانند آسیب به اموال، صدمه به افراد، لطمه به نظم عمومی، ارزش های حاکم و غیره. (ورایی، ۱۳۹۰: ۷۳)

۱- ۳- علل بزهکاری

عوامل مختلفی در وقوع بزه و جرم نقشی دارند که عبارتست از که بسیاری از این عوامل زاینده محل سکونت است- داشتن محل سکونت در نقطه جغرافیایی خاص است که می تواند تاثیر دوچندانی در روی آوردن افراد به بزهکاری داشته باشد. شاید بتوان گفت: تنگدستی اقتصادی و فقر تاثیر بسزایی در بروز رفتار بزهکارانه در افراد دارد. کسانی که به علت فقر اقتصادی به مناطق حاشیه نشین سوق داده می شوند چاره ای جز سکونت در این مناطق ندارند. مناطقی که از امکانات رفاهی نسبی برخوردار است و آمار جرائم آن مناطق بالادست ناگزیر با افرادی سروکار پیدا می کنند که دچار بزه شده اند و کم کم در طی سالیان این رفتارها در این افراد نمود پیدا می کند. این خانواده ها وقتی دارای کودک و نوجوان و جوانان باشند مشکل دو چندان می شود زیرا اینان در این سن به سرعت از اطرافیان الگو می گیرند و به علت سکونت در این مناطق تحت تاثیر این گونه رفتارها قرار می گیرند مسلم است که هر فردی تحت تاثیر محیط پیرامون خویش قرار دارد. (کلانتری، ۱۳۸۶: ۳۸)

۲-۳-ارتباط محله با بزهکاری

از مدت ها پیش محققان دریافته‌اند که میزان بزهکاری در محله‌های مختلف شهری متفاوت است. در برخی محله‌های شهری میزان بزهکاری بسیار بالا است و تعداد نسبتاً زیادی از نوجوانان مرتکب نقض قوانین می‌شوند. با وجود این، در دیگر محله‌های شهری، میزان بزهکاری پایین است و تعداد نوجوانانی که درگیری سیستم عدالت نوجوانان می‌شوند بسیار کم هستند. مطالعات نشان می‌دهد که بافت اجتماعی محله‌ها، تاثیر زیاد بر میزان بزهکاری دارد. برخی از پژوهشگران دریافته‌اند که محله‌های شهری مانند افراد دارای چرخه‌ای از زندگی هستند که تحت تاثیر برخی عوامل دستخوش تغییر و تحول می‌شوند از جمله ناپایداری در محله‌ها، فرسودگی محله، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی، تغییر محله از مسکونی به تجاری و یا صنعتی، رشد تعداد کارگران بیکار مایوس و وخیم شدن وضعیت محله پیش درآمد افزایش بزهکاری است. تحقیقات نشان می‌دهد محله‌ها و مناطق دارای فرصت‌های اشتغال کم و محدود در برابر آسیب‌های اجتماعی و جرایم غارتگرانه آسیب پذیرترند. بیکاری، فقر و اعتیاد سبب از هم پاشیدگی و بی‌ثباتی خانواده‌ها می‌شود و خانواده‌های از هم گسیخته و بی‌ثبات به احتمال زیاد کودکانی را پرورش می‌دهند که خشونت و پرخاشگری را به عنوان شیوه‌ای برای مقابله با فرصت‌های محدود و حل مشکلات خود بر می‌گزینند.

۴- نظریه‌ها

۱-۴- نظریه

رابرت فاریس و وارن دانهام معتقدند که محیط عامل تعیین‌کننده‌ی رفتار افراد در شرایط مختلف است و جایگزینی گروه‌ها به جای یکدیگر بر اساس عوامل محیطی تعیین می‌شود و با وجود میزان بالای تحرک در بیشتر مناطق نارآرام و یا حاشیه‌ای، باز هم میزان بالایی از جرائم و انحرافات از این مناطق گزارش می‌شود. (مورال، ۱۳۹۲: ۱۷۵)

۲-۴- نظریه تقسیم کار و نظم اجتماعی دورکیم

دورکیم اولین کسی بود که مفهوم آنومی یا نابسامانی را که عبارتست از شرایط به هم ریخته و درهم و برهمی که در آن هنجارهای اجتماعی ضعیف می‌شوند واز بین می‌روند یا در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و هم در فرد و هم در جامعه تجلی پیدا می‌کند، وارد جامعه‌شناسی کرد. بر اساس نظریه آنومی می‌توان گرایش جوانان حاشیه‌نشین را به انجام رفتارهای کجروانه تبیین کرد که بر اساس آن جامعه از یک طرف اهداف و ارزش‌های مطلوبی را به شیوه‌های مختلف تبلیغ می‌کند واز طرف دیگر وسائل دسترسی به این اهداف به طور مساوی در اختیار همگان قرار ندارد، در نتیجه افراد محروم پیوسته از راه‌های غیرمشروع خواستار دستیابی به اهداف مطلوب هستند و به این ترتیب ارزش‌های فرهنگی مطلوب جامعه مورد خدشه قرار می‌گیرد. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۷۵) دورکیم، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می‌کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد (مساواتی، ۱۳۷۴: ص ۱۷).

۳-۴- نظریه فشار

نظریه ی فشار دومین شاخه ی نظریه های ساختار اجتماعی است. احساس فشار هنگامی رخ می دهد که بین آرزوها و آرمانهای فرهنگی، نظیر موفقیت مالی از یک سو و فرصت های ساختاری نظیر آموزش و استخدام از سوی دیگر تنش، و برخورد وجود دارد که در نتیجه ی آن تنها برخی اشخاص می توانند عملاً به چنین موفقیت هایی دست پیدا کنند. نابرابریهای ساختاری بر روی بسیاری از اشخاص بویژه اعضاء طبقه پایین جامعه فشار وارد می کند و افرادی که فرصتهای کمتری برای بدست آوردن اهداف خود دارند به علت ناتوانی در دستیابی به اهداف اجتماعی احساس خشم، نفرت و پرخاشگری آنان را به استفاده از شیوه های غیرقانونی و رفتار منحرفانه متمایل می سازد. (سوتیل و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

۵- نتیجه گیری

در بررسی علل وقوع جرم در مناطق حاشیه نشین، می توان به این نتیجه رسید که اکثر مشکلات اجتماعی به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد مناطق حاشیه نشین است که باعث شده است اهالی این مناطق از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده باشند، ساکنان آن به اجبار در کنار هم قرار گرفته و دارای هم زیستی اجبارگونه هستند. این مناطق در واقع از سایر نقاط شهر جدا افتاده و به حاشیه ها رانده شده و دارای معیارهای رفتاری و هنجارهای متفاوتی هستند که با فرهنگ مسلط دیگر مناطق شهر در تضاد است. در این مناطق گرایش های فرهنگی خاصی حاکم اند. بطوری که افراد در معرض یادگیری رفتارهای قانون شکنانه هستند. بنابراین تمرکز در این مناطق ناشی از بی سازمانی اجتماعی است که نشانگر عدم هماهنگی میان فرهنگ و ساخت اجتماعی می باشد، ساکنان این مناطق از فرسودگی ساختمان ها، فقر گسترده، جدایی گزینی قومی و نژادی، اختلال های روحی و بیماری های جسمی و عدم تعلق محلی و ساکنان این مناطق از زمینه های قوی بروز جرم رنج می برند. پس بهتر است نقشه راهی داشته باشیم تا در آن کل مناطق حاشیه نشین کشور مشخص شده باشد. دستگاه واحدی مسئول عهده گیری، ساماندهی و بهبود وضعیت زیستی، و شکل کالبدی مناطق شود، همچنین پرداختن به مکان های که تخریب شده یا متروکه است و مکانی برای ایجاد مفاسد اجتماعی می باشد، ساخت فرهنگسرا، کتابخانه، ورزشگاه و ... تشویق ساکنین به استفاده از این اماکن، موسساتی در این مناطق تاسیس شوند و حرفه و مهارت ها حتی المقدور به صورت رایگان به حاشیه نشینان آموزش دهند تا در آینده بتوانند جذب بازار کار شوند و کم کم با آداب و فرهنگ اجتماعی صحیح و بدون از انحرافات وفق پیدا کنند و این موضوع باعث جلوگیری از ناآرامی های شهری خواهد شد برای اینکه اینان خود را مورد ظلم قرار گرفته می دانند و شاهد عدم تساوی در امکانات رفاهی، بهداشتی، عمرانی و آموزشی هستند. با نظارت های مختلف می توان آنان را امیدوار به آینده و مسئول و وابسته به جامعه نمود تمامی این موارد بایستی با بهره گیری از طیف های مختلف اندیشمندان جامعه بوده و ضروری تلقی شود. در مناطق حاشیه نشین چهار عامل محیط فیزیکی اطراف خانه، شرایط فیزیکی خانه، ساکنان خانه، صاحب خانه مورد توجه قرار دارد. که با بهبود شرایط فیزیکی می توان به مساله حاشیه نشینی پایان داد. در مناطق حاشیه نشین برنامه آمایش سرزمین، طراحی و برنامه ریزی شهری می تواند به صورت ویژه ای باعث بهسازی شرایط مناطق مذکور شده و در نتیجه شاهد کاهش و کنترل بزهکاری در آن مناطق باشیم.

منابع:

- سوتیل و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۷۸
- سماواتی آذر، مجید (۱۳۷۴)، آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات)، انتشارات نوبل تبریز.
- کی نیا، مهری (۱۳۷۴)، جرم شناسی، تهران، مجتمع علمی فرهنگی مجد.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۸)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ دهم، انتشارات دادگستر.
- محققیان، زهرا (۱۳۸۴)، جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات پالیزان.
- مهاجریان، رضا (۱۳۸۷)، تاثیر حاشیه نشینی به میزان بزهکاری در کلان شهرها، تهران، انتشارات جاودانه.
۵. قائمی اردکانی، مهرآفرین، تاثیر محل سکونت در بزهکاری از دیدگاه جرم شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد بویین زهرا، ۱۳۸۹
- ارشاد، فرهنگ (تاثیر شرایط زندگی در محله‌های مسکونی فقراود بر بزهکاری جوانان و نوجوانان در جامعه شهری اهواز)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی خوزستان، زمستان ۱۳۸۱.
- اشراقی، محمود (بررسی علل و عوامل بزه دیدگی در خانواده)، همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راه کارهای پیشگیرانه، دانشگاه آزاداسلامی واحد خوراسگان، آبان ۱۳۸۲.
- فولادیان، احمد (۱۳۸۵)، حاشیه نشینی و انحرافات اجتماعی، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۹.
- کلانتری، محسن (تاثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن) فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۶.
- مورال، پیتر (۱۳۹۲)، قتل و جامعه، ترجم براتوند و حسین زاده، اهواز، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان
- وروائی، اکبر، فتحی، رضا، امیری (بررسی عوامل وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان کرمانشاه) فصلنامه دانش انتظامی کرمانشاه، سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۲.